دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲
۰۱۴
شماره ۴۰۳۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTGANDAILY

گزارش نشست‌های بررسی ابعاد راهبردی در سیاست خارجی دولت سیزدهم و عربستان سعودی

سیاست همسایگی؛ تغییر از بازیگر استراتژیک به بازیگر ژئوپلیتیک؟

نشست هم‌اندیشی تحت عنوان «هوشمندی در سیاست همسایگی؟!» به همت اندیشکده سبا، در خانه اندیشه‌ورزان در جلسه ۲۰ آبان و ۱۳ آذر با حضور علی‌اکبر صالحی وزیر اسبق امور خارجه و ریاست اسبق سازمان انرژی اتمی، مصطفی مصلح‌زاده سفیر سابق ایران در اردن، محمدرضا نوری شاهرودی سفیر سابق ایران در عربستان سعودی، عمان و لیبی، مجید ضیایی کارشناس ارشد تاریخ و جغرافیای سیاسی بین‌الملل، مجید شاکری کارشناس ارشد اقتصاد بین‌الملل، مهدی خزایان کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و سیدهاشم رضوی کارشناس مسائل خلیج‌فارس برگزار شد.

در این دو نشست، علاوه‌بر مسائل تاریخی و ژئوپلیتیک سرزمین عربستان سعودی و رابطه نفت و امنیت در شکل‌گیری مناسبات آن و بلوک غرب، آمریکا و رژیم‌صهیونیستی، رابطه ایدئولوژی و دیپلماسی و میزان هوشمندی جمهوری اسلامی ایران در روابط و توافق با عربستان سعودی در پکن پرداخته شد. همچنین در ادامه نسبت توافق پکن بر نقش‌آفرینی نظامی و امنیتی عربستان سعودی در پرونده جنگ یمن و تاثیرات آن بر عملیات طوفان الاقصی و مناسبات آن با دولت نجات ملی یمن، نقد و بررسی شد.

محمد بهمن‌آبادی، مدیر اندیشکده سبا مطرح کرد: «سوال اصلی از هرکدام از اساتید این است که آیا سعودی می‌تواند مستقل نقش ایفا کند یا تامین‌کننده منافع آمریکا در منطقه است؟ همچنین با توجه به پرونده‌ها و چالش‌های مختلف در زمینه نفت، حج و حمایت از گروه‌های تروریستی و اینترنشنال و... که مسکوت مانده یا توجه به صحبت بعضی نیروهای سیاسی در داخل که هر دوطرف توافق در برهم خوردن روابط نقش یکسان دارند، چقدر صحیح است و انجام این توافق به لحاظ تحلیل استراتژیک و دیپلماتیک چقدر درحال حاضر صحیح بوده است؟»

در ابتدای نشست نوری شاهرودی، سفیر سابق ایران در سعودی در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی از اینکار و دوراندیشی اندیشکده سبا در برگزاری این نشست تشکر کرد و افزود عنوانی که برای این نشست انتخاب شده «هوشمندی در سیاست» عنوان بسیار درستی است. وی درمورد توافق اظهار داشت: «من در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی به عنوان سفیر ایران در عربستان ماموریت یافتم. در این مدت خیلی تلاش کردیم روابط ایران و عربستان که از سرد بودن به فریز شدن تبدیل شده بود را چاره‌اندیشی کنیم. دوطرف مسائلی داشتند که به‌آسانی قابل حل نبود. موقع رفتن به عربستان به من گفتند حل دشت مسائل روابط بین ایران و عربستان تنها یک کلید دارد و آن هم به‌دست آمریکاست و ما به همین دلیل همواره با عربستان در تنش هستیم. من گفتم ما با تنگل بر خدا می‌رویم و مایوس نمی‌شویم. می‌گفتند ما و شما باید تفاهم کنیم. کویتی‌ها این کارشکنی را در میدان نفتی آرش کردند تا روابط ما با عربستان را نگیرد. ما باید بدانیم که در منطقه عربستان میصر است که این مساله با توجه به شکل گرفتن اتحادها و قدرت ایجاد ائتلافات در بین کشورهای منطقه توسط عربستان کاملا مشهود است.» در ادامه نشست مجید شاکری، کارشناس ارشد اقتصاد بین‌الملل گفت: «اگر در یک جمله درباره توافق ایران و عربستان بخواهم بگویم، این توافق یک اشتباه بزرگ علیه منافع ملی ما بود و یک فرصت بزرگ برای معامله با عربستان را از ما گرفت.»

وی در ادامه اضافه کرد: «منظور من این نیست که به‌سمت تنش‌زایی و عدم گفت‌وگو یا جنگ با عربستان برویم اما در ادامه توضیح می‌دهم این نحوه از توافق فرصت‌ها را خواهد سوزاند که این فرصت‌ها همیشگی نیست. ما نمی‌توانیم بگوییم عربستان امروز عربستان دیروز هست و ما باید کاملا فیصل است و اکنون با همسان تحوه تعامل با آنها نمی‌توانیم در روابط پیش برویم. من منکر تفاوت هنر دیپلماسی نمی‌شوم و اساسا قیاس گفت‌وگوی روابط ما با عربستان در دوران سفارت حاج‌آقای نوری شاهرودی با دوران دیگر قابل‌کمان نیست اما درنهایت این هنر می‌تواند درصد موضوع شکل نمی‌توان کشور را اداره کرد. با این قیمت نفت هم ما خیر می‌کردیم هم عربستان و رابطه‌مان خیلی بیشتر از ما متضرر می‌شد! چراکه ما دومیلیون و عربستان بالای ۹ میلیون بشکه نفت در روز صادر می‌کردیم. قاعدتا باید ما بیشتر نفت با وزیر نفت باشد؛ به‌ویژه که ما دومنبع دیگری کردم تا منوچه شوم مسئول اصلی نفت در عربستان کیست. چون وزیر نفت در سطح پکن سنگ‌بزنگ بود. عربستان همواره ما را متهم می‌کرد که شما ۲۰۰ هزار بشکه اضافه تولید دارید و تا این حق نشود مخالف هستیم و به همین دلیل همواره با عربستان است. دوستان ما هم حجیم زیادی است و آمردند که ثابت کنند ایران این ۲۰۰ هزار بشکه نفت اضافه را ندارد.»

وی در ادامه گفت: «من رفتم مسئلهم پیش امیر عبدالله و به ایشان گفتم که برادر خود شما، ملک فهد در تلویزیون به‌صورت رسمی اعلام کرد ما ۲۷ میلیارد دلار سرمایه داریم که به آمریکایی‌ها فرصت رسیدن به استقلال می‌کنید و ما را در دنیا پیشانی کرده‌اید؟ من گفتم اصلا فرض کنید ما من ۲۰۰ هزار بشکه نفت اضافه را داریم و شما هم ندیده بگیرید. امیر عبدالله به من گفت آقای سفیر چرا دیگران مثل شما نیستند که تمرکزشان از خاورمیانه به سمت شرق آسیا برود. پاسخ اعراب به طوح خاص عربستان و امارات، به از کاظم‌پورازیستی و دیگران هم بودند. در جلسه بعدی اوپک تصمیم گرفته شد که تولید نفت اوپک دومیلیون بشکه کمتر شود و به‌روز از هشت دلار به ۱۱۰ دلار رسید. مقصود من این است که گفت‌وگو و صحبت سازنده و همسایه خوب اهمیت می‌کند و چقدر اثرگذار است. چرا ما با این همه قدرت فناوری و ایتکارتی که داریم نباید در کشورهای همسایه جایگاه کار داشته باشیم؟ برخی در آن زمان می‌گفتند حرمین شریفین را مجموعه‌ای از کشورهای اسلامی اداره کنند. من گفتم نمایند؛ اصلا بیشتر ما این را نمی‌گویم، بلکه اتفاقا میگوییم خودتان اداره کنید. زیرساخت‌های مناسبی هم دارید و تالاب به خوبی اداره کردید. نتیجه‌اش این شد که تنگرافی آمد و سه هزار نفر به تعداد عروسگردان ما افزوده شد. وقتی آقای احمدی‌نژاد آمد حدود ۷۲۰ میلیارد دلار در اختیارش بود.»

وی درمورد توافق پکن با شارءه اینکه این توافق محرمانه است، افزود: «من در شوری عالی امنیت ملی هم‌تاکید داشتم که چتا کار را به جایی می‌رسانید که نیازباشد پکن وارد شود و می‌شد دوکشور بنشینند و باگفت‌وگو مسائل مان را حل کنند. البته سعودی‌ها خیالاتی در ذهن داشتند که سرشان به سنگ خورد ولی ماکه همسایه و مسلمان هستیم چرابایدبگذاریم کشور دیگری وارد شود؟» وزیر شاهرودی با اشاره به این نکته که سیاستگزاری عرب و نزول دارد گفت: «با توجه به عنوان و تخصصی بودن نشست، نظر من این است که ما با همسایگان به این تفاهم برسیم که یک سازمان منطقه‌ای همکاری اقتصادی درست کنیم. مس دوماه قبل همراه آقای خزاری درنشستی تحت عنوان ایران و العرب در الجزیره قطر شرکت داشتم و در آنجا هم گفتم، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس کارشان انتظار بود. با توجه اینکه در ساحل خلیج‌فارس هشت کشور وجود دارد، نصف آب ناذیده گرفته شده و درصورتی سازمان شما نتیجه بخش است که شورای همکاری خلیج‌فارس متشکل از اتحادیه یک سازمان حضار عربست و هنوز همسایگان خلیج‌فارس با هشت کشور تاسیس شود ولی در پایان کار، کویت به بهانه اختلافاتش با عراق از آن جلوگیری و مثل ماجرای آرش کارشکنی کرد.»

وی درمورد میدان گازی و نفتی آرش تصریح کرد: «خوشبختانه پیشرفت خوبی در قرارداد با جاپن در این مدت رخ داده‌است. آرش ۲۵ میلیون بشکه گاز دارد دربیشتر از فقر؛ که ثروت عظیمی است. کویتی‌ها در ابتدا مطرح نبودند و سعودی‌ها باید در همین آبان که جلسه و اردوی کشورها بود و تا این جلسه بر اثر نفت شروع به ریزش کرد و از ۲۶ دلار به زیر ۱۰ دلار رسید. در این دوران حتی ما در تامین نفتی خود دچار مشکل شدیم. مسئولان وزیر نفت و به‌صورت مرحوم هاشمی به من گفتند که باید یک کاری در این خصوص انجام شود و به این شکل نمی‌توان کشور را اداره کرد. با این قیمت نفت هم ما ضرر می‌کردیم هم عربستان و رابطه‌مان خیلی بیشتر از ما متضرر می‌شد! چراکه ما دومیلیون و عربستان بالای ۹ میلیون بشکه نفت در روز صادر می‌کردیم. قاعدتا باید ما بیشتر نفت با وزیر نفت باشد؛ به‌ویژه که ما دومنبع دیگری کردم تا منوچه شوم مسئول اصلی نفت در عربستان کیست. چون وزیر نفت در سطح پکن سنگ‌بزنگ بود. عربستان همواره ما را متهم می‌کرد که شما ۲۰۰ هزار بشکه اضافه تولید دارید و تا این حق نشود مخالف هستیم و به همین دلیل همواره با عربستان است. دوستان ما هم حجیم زیادی است‌ما می‌آوردند که ثابت کنند ایران این ۲۰۰ هزار بشکه نفت اضافه را ندارد.»

وی در ادامه گفت: «من رفتم مسئلهم پیش امیر عبدالله و به ایشان گفتم که برادر خود شما، ملک فهد در تلویزیون به‌صورت رسمی اعلام کرد ما ۲۷ میلیارد دلار سرمایه داریم که به آمریکایی‌ها فرصت رسیدن به استقلال می‌کنید و ما را در دنیا پیشانی کرده‌اید؟ من گفتم اصلا فرض کنید ما من ۲۰۰ هزار بشکه نفت اضافه را داریم و شما هم ندیده بگیرید. امیر عبدالله به من گفت آقای سفیر چرا دیگران مثل شما نیستند که تمرکزشان از خاورمیانه به سمت شرق آسیا برود. پاسخ اعراب به طوح خاص عربستان و امارات، به از کاظم‌پورازیستی و دیگران هم بودند. در جلسه بعدی اوپک تصمیم گرفته شد که تولید نفت اوپک دومیلیون بشکه کمتر شود و به‌روز از هشت دلار به ۱۱۰ دلار رسید. مقصود من این است که گفت‌وگو و صحبت سازنده و همسایه خوب اهمیت می‌کند و چقدر اثرگذار است. چرا ما با این همه قدرت فناوری و ایتکارتی که داریم نباید در کشورهای همسایه جایگاه کار داشته باشیم؟ برخی در آن زمان می‌گفتند حرمین شریفین را مجموعه‌ای از کشورهای اسلامی اداره کنند. من گفتم نمایند؛ اصلا بیشتر ما این را نمی‌گوییم، بلکه اتفاقا میگوییم خودتان اداره کنید. زیرساخت‌های مناسبی هم دارید و تالاب به خوبی اداره کردید. نتیجه‌اش این شد که تنگرافی آمد و سه هزار نفر به تعداد عروسگردان ما افزوده شد. وقتی آقای احمدی‌نژاد آمد حدود ۷۲۰ میلیارد دلار در اختیارش بود.»

وی درمورد توافق پکن با شارءه اینکه این توافق محرمانه است، افزود: «من در شوری عالی امنیت ملی هم‌تاکید داشتم که چتا کار را به جایی می‌رسانید که نیازباشد پکن وارد شود و می‌شد دوکشور بنشینند و باگفت‌وگو مسائل مان را حل کنند. البته سعودی‌ها خیالاتی در ذهن داشتند که سرشان به سنگ خورد ولی ماکه همسایه و مسلمان هستیم چرابایدبگذاریم کشور دیگری وارد شود؟» وزیر شاهرودی با اشاره به این نکته که سیاستگزاری عرب و نزول دارد گفت: «با توجه به عنوان و تخصصی بودن نشست، نظر من این است که ما با همسایگان به این تفاهم برسیم که یک سازمان منطقه‌ای همکاری اقتصادی درست کنیم. مس دوماه قبل همراه آقای خزاری درنشستی تحت عنوان ایران و العرب در الجزیره قطر شرکت داشتم و در آنجا هم گفتم، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس کارشان انتظار بود. با توجه اینکه در ساحل خلیج‌فارس هشت کشور وجود دارد، نصف آب ناذیده گرفته شده و درصورتی سازمان شما نتیجه بخش است که شورای همکاری خلیج‌فارس متشکل از اتحادیه یک سازمان حضار عربست و هنوز همسایگان خلیج‌فارس در سازمان ملل تصمیم گرفته شد که شورای اقتصادی کشورهای خلیج‌فارس با هشت کشور تاسیس شود ولی در پایان کار، کویت به بهانه اختلافاتش با عراق از آن جلوگیری و مثل ماجرای آرش کارشکنی کرد.»

وی درمورد میدان گازی و نفتی آرش تصریح کرد: «خوشبختانه پیشرفت خوبی در قرارداد با جاپن در این مدت رخ داده‌است. آرش ۲۵ میلیون بشکه گاز دارد دربیشتر از فقر؛ که ثروت عظیمی است. کویتی‌ها در ابتدا مطرح نبودند و سعودی‌ها

ادامه در صفحه ۱۵

با عربستان صحبت کردیم که ۲۰۰ هزار بشکه نفت مازاد تولیدی ما را نادیده بگیرند و آنها قبول می‌کنند، با گفتیم مدیریت حج را خودتان برعهده بگیرید، خیلی هم عالی مدیریت می‌کنید و در نتیجه ۳ هزار نفر به زائران ما اضافه شد. دقیقا سعودی‌ها هم همین را از ما می‌خواهند که بر سر این مسائل با آنها مذاکره کنیم و دست از ایدئولوژی‌های خود برداریم. مشکل ما این است که از دیپلماسی به عنوان ابزار پیشبرد دیپلماسی استفاده کنیم و دیپلماسی را جایگزین ایدئولوژی می‌دانیم. ما باید یک چهارچوب کلی داشته باشیم که براساس آن راهبرد خود را پیش برده و روابط خود را با دیگر کشورها تنظیم کنیم. آمریکا و غربی‌ها نیز از بحث حقوق بشر که ایدئولوژی خود را تعریف کردند کوتاه نمی‌آیند و برای همین دیدیم در برابر همه اتفاقات در عربستان سکوت کرده اما در مساله قتل جمال خاشقچی بن سلمان را شدیدا تحت فشار گذاشتند چون این ایدئولوژی آنهاست. ماتسامفانه برخی در وزارت امور خارجه به‌طور جدی به‌دنبال پیگیری کنار گذاشتن ایدئولوژی هستند. به محض اتفاق توافق، عربستان شروع به اعدام زندانیان سیاسی شیعه کرد و همچنین حدود ۲۰۰ نفر از عالمان شیعه یا بازداشت کردند.

در ادامه علی‌اکبر صالحی در پاسخ به اینکه آیا عربستان نماینده آمریکاست یا نقش مستقل دارد؟ و اینکه عربستان سعودی در پرونده‌هایی که با ایران مواجهه داشته به خصوص پرونده شورش‌های اخیر که حمایت مالی از رسانه مناقفین و حمایت مالی از گروه تروریستی و حمایت از مولوی‌ها داشته چه نقش‌آفرینی‌ای می‌کند؟ «ایران هم در دوران وزارت شما به‌خوبی اقدامااتی صورت داده است و همچنین در ادامه در توافقاتی که ایران و عربستان سعودی انجام داده‌اند چه میزان به خواسته‌های خود رسیده، گفت: «بحث را اینطور آغاز کنیم که از نظر دیدگاه سیاسی نظرمان درباره عربستان است. از منظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگ و نظامی می‌توانیم نگاه کنیم. بنده در زمانی که توفیق خدمت در وزارت امور خارجه را پیدا کردم، معتقد بودم دو کشور در منطقه برای ما اهمیت و الویت دارد یکی عربستان و دیگری ترکیه بود. برخی از دوستان گفتند سایر کشورها چطور! پاسخ گفتم که اینطوری اولویت مفهومی نبارد. بنده همچنان معتقدم اگر ایران، عربستان و ترکیه در یک شرایط تعاملی قرار بگیرند، قطعا در منطقه تا زمانی که منافع تعارضی نباشد، منافع مثبت بیشتر تامین می‌شود. این یک واقعیت است که صاحب قدرت هستند و در زمینه‌های مختلف حس رقابت دارند. ترکیه مثلا در زمینه اقتصادی و سیاسی رقابت دارد و عربستان هم در زمینه فرهنگی، اقتصادی و نظامی حس رقابت دارد که همه اینها باعث درگیری می‌شود. اما اینکه یک نوع تفاهمی باشد که مجموعه منافع هر سه کشور را تامین کند، آن زمان ما آرامش بیشتری خواهیم داشت. خب این مساله عقلانی است و لذا بر این اساس معتقد بودم عربستان مهم است.

ساعت ها با مرحوم امیر سعود الفیصل در منزلش صحبت می‌کردیم که چرا باید ایران و عربستان در چنین شرایطی باشند. حتی من می‌گفتم که نه کشور ما و نه کشور شما، هیچ چشمداشتی به گسترش کشورشان ندارند. همچنین هیچ چشمداشتی به منافع و منابع زیرزمینی یکدیگر نداریم. پس ما چرا با دیپلماتهای ما به عربستان نیز دچار همین خطای راهبردی بوده و برخی ظاهرسازی ها را به معنای پیشرفت و توسعه قلمداد کرده یا برخی اختلافات سطحی را شکاف بزرگ داخلی می‌دانند. برخی می‌گویند ببینید سکولاریسم در عربستان چه طوفانی به پاکرده و شعر نذوم را توسعه مهم عربستان می‌دانند. دولت‌هایی استراتژی دارند که مسئولین خود را در روابط بین‌الملل داشته باشد. عربستان یک بازیگر استراتژیک نیست و در نتیجه مسئولین ندارد، بلکه متغیر وابسته است و مستر بلن آمریکا را در منطقه دنبال می‌کند در حالی که ایران، نقطه بازیگر استراتژیک منطقه بوده که مستر بلن خود را دارد. عربستان همواره در دگرگیری های بین اسرائیل و نیروهای مقاومت در منطقه، بعض سطح خود را از یک بازیگر استراتژیک به سطح یک بازیگر ژئوپلیتیک تقلیل داده‌اتم و دیپلمات ما متاسفانه این مساله را درک نمی‌کند.

چگونه ما می‌توانیم به تغییر ماهیت اساره‌لوحانه برخی سیاسیون در داخل بنشینیم که بگوییم گفت‌وگو مسائل خود را با عربستان حل کنیم درحالی‌که یک متغیر وابسته است و ما با متغیر مستقل او مشکلات اساسی داریم؟ گروه‌های تروریستی مورد حمایت عربستان نیز در متغیر مستقل تصمیم گرفته می‌شود که باید علیه ایران حمایت شود. عربستان درواقع صندوق اعتبارات آمریکاست. یا برخی می‌گویند مشکلات ما با عربستان نباید به‌خاطر ما گفته شده ما گفتیم می‌خواهیم اقتلاب ما مانعش را صادر کنیم. سیوال من این است: در پرونده ایران- کنترا که آمریکا با پول عربستان از ایران علیه ضد نیکاراگوئه‌ای حمایت می‌کند، مگر نیکاراگوئه می‌خواسته به عربستان انقلاب صادر کند؟ وقتی متغیر مستقل بگوید حمایت مالی نیاز است او انجام می‌دهد و برایش تفاوتی ندارد. ما با این توافق خود را به عنوان یک بازیگر استراتژیک در سطح پکن با بازیگر ژئوپلیتیک تنزل دادیم. بدون هیچ وابسته و درخواست مشخصی هم به مذاکره رفتیم در حالی که طرف مقابل با بسته ۱۵۱ صفحه به سیر مذاکره آمده است.»

مصطفی مصلح‌زاده گفت: «ما باید چینش قدرت را در نظام بین‌الملل بدانیم و روابط خود را براساس آن تنظیم کنیم. پکن در سطح کشورش و توسعه حرکت کند که منظور از این گسترش فتح کشورها به لحاظ نظامی نیست بلکه منظور داشتن قدرت در تصمیم‌گیری دیگران است. حتی محمدرضا پهلوی هم وقتی برای قدرت‌گیری لازم دید قیمت نفت باید بالا برود، وارد افزایش با عربستان شد. همچنین دوره‌ای که ما وارد طی دشت صنعت نفت در ایران می‌شویم، عبدالعزیز بن سعود امتیازاتی از شرکت‌های نفتی آمریکایی گرفت و سهم نفت خود را بالا برد. در ۱۹۵۳ با تثبیت حکومت محمدرضا پهلوی و بعد از مرگ عبدالعزیز بن سعود و پادشاهی سعود بن عبدالعزیز، روابط ایران و عربستان به جهت جلوگیری از نفوذ ناصریسم و کمونیسم به منطقه ما به‌شدت به یکدیگر نزدیک می‌شود. چون در این بره با وجود اختلافات هردو رویکسی مانع جهت منافع ایگلاس‌ملی- تجاری غربی هستند. برای درک بهتر باید اشاره کرد در دهه ۱۹۷۰ که محمدرضا شاه با وجود اشکالات اساسی در تدامین ماپحتاج کشور که به واردات گندم و تخم مرغ روی می‌آورد و حتی پرتقال از بریکلاند وارد می‌کند، فقط با صادرات نفت با قیمت بالا به دنبال بلندپروازی است. این بلندپروازی ها باعث اختلاف اساسی بین شاه و عربستان در مساله تولید نفت اوپک است اما ما شاهدیم که در جنگ ظفار به یکباره شاه با عربستان جهت جلوگیری از نفوذ کمونیسم متحد می‌شوند. اولین سفیر ایران در عربستان میرزا حبیب الله عین الملک پدر امیرعباس هویدا و فرزند مهندس محمدرضا قناد شیرازی از اولین پیروان باب هست که به بهاءالله پیوسته است. یعنی اولین سفیر ایران در عربستان که احتمالا باید یک فرد سنی مذهب باشد که مسائل ما را دنبال کند، در کمال تعجب یک بهایی است. در طرف مقابل سفیر عربستان در ایران فاعدتا باید یک فرد شیعه از منطقه احساء باشد یکی از این کشورها در چه وضعیتی هستند.

در حال حاضر سفیر ملک جلوی روی ایران است که یک رامی آن آمریکا و تمام غرب و یک راس روسیه و کشورهای اطرافش و در رأس دیگر چین قرار گرفته است. ایران کشوری با وابگی های خاص است که در دنیا مثلش را پیدا نمی‌کنید. ایران یک استقلال وابگی دارد که دشمنان هم به این مساله اقرار کرده‌اند. خب ایران باید کجای این مثلث قرار بگیرد؟ ما یک راهی از این راه‌ها پیچیده که فاجعه است. به نظر من باید در وسط مثلث بایستد و از فرصت‌ها و تقاط ضعف موجود به نفع منافع ملی خود استفاده کند. برای مثال برخی در تاریخ ۱۹۷۳ در آمریکا دانسته بود، مرحوم ملک فیصل نفت را تحریم کرد. در آمریکا مساله ژئوپلیتیک کاملا برای سوار است. صدا ها خروج بریتانیا از خلیج‌فارس مرزهای عربستان جوری تقسیم‌بندی می‌شود که راهی به دریای عمان مستقل از تنگه هرمز پیدا نکند و دسترسی به آب های آزاد نداشته باشد و باید تبدیل به یک باغچه خانوادگی شده و بقایش در تامین انرژی غرب باشد.

من همیشه تاکید داشتم که مهم‌ترین اتفاق تاریخی قرن ۱۹ برای ایران افتتاح کانال سوئز در ۱۸۶۹ بود و بریتانیا که تا قبل از این حادثه به‌شدت از ایران و عثمانی در برابر نفوذ روسیه حفاظت می‌کرد گویا قید این حفاظت را می‌زند. قبل از حفر کانال سوئز، کسانی که قصد سفر به ایران از بریتانیا را داشتند باید کل قاره آفریقا را دور می‌زدند که به ایجاد این کانال، مسیر تجارت بین جنوب اروپا و تمام بنادر اروپایی تا بمبئی و شانگهای که قبلا حدود ۶ تا ۸ هزارکیلومتر بود، ۲۰۰۰ کیلومتر کوتاه‌تر شد و بیش از ۶۰ درصد تجارت جهانی از طریق آن انجام می‌شود. به همین جهت آبگراهی مالی- تجاری جهانی به این نقطه به‌عنوان یک نقطه بسیار استراتژیک نگاه می‌کرد که بعدها اسرائیل را به‌عنوان پاسگاه حفاظت از این کانال ایجاد کردند. اسرائیل از نظر ژئوپلیتیک در اصل چیزی نیست جز پاسگاه حفاظت از کانال سوئز. نکته قابل توجه اینکه، بعد از کشف نفت، آمریکا در مرداد ۱۳۲۱ که باید درگیر جنگ در اروپا باشند به یکباره بدون اعلام قبلی و بدون هیچ مجوزی با ۴ لشکر وارد ایران می‌شود. ورود آمریکا به ایران در این تاریخ هیچ چیز نیست جز حفاظت از چاه‌های نفت عربستان سعودی در مقابل خطر ضروری در آینده. همچنین دکتر ضیایی یاشاره به مسائل ۱۹۰۱ می‌گوید ما باید این مسائل را دقیق بخوانیم و بررسی کنیم. انتقال خیلی خیزل از جنوب به تهران یک خیانت بزرگ تاریخی توسط رضاخان بود، اگر یک مغز متفکر در تهران داشتیم و شیخ خزئل را در خوزستان حفظ و مدیریت می‌کرد، تمام سواحل جنوبی خلیج‌فارس تابع ایران می‌شدند. درواقع باتوجه به نکات گفته شده می‌شود فهمید، علت وجودی عربستان مساله کانال سوئز و تجارت بین‌المللی بوده و دست داد. من معتقدم چینی‌ها در سیاست‌های خود در منطقه ما کمی گیجند و مسئولان ما هم نتوانستند آن طوری باید پکن را با خود همراه کنند. ایران و چین کجا فهمیدند که با این توافق بازی خوردند، در اجلاس G20 که آقای شی‌جین‌پینگ هم در آن شرکت کرد. در این اجلاس با تشریفات فراوان کرنید در آن‌مک اعلام شد و با معرکه‌گیری نتایتاهم همراه شد که ما در شهر مرکز کردور راه‌های ارتباطی جهانی، چین تازه متوجه شد دارد چه اتفاقاتی می‌افتد.

ما متسفانه در عالی‌ترین سطوح اطلاعاتی کشور دچار خلأتحلیل اطلاعات استراتژیک هستیم. برعکس عملکرد دقیق ما در میدان و در دستگاه‌های مختلف از وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه تا دستگاه وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی و چارت مشکلات جدی در تحلیل مسائل منطقه و بین‌الملل هستیم. به عنوان مثال اگر جایگاه ژئوپلیتیک باب‌المندب و نقش اتصالاتی پس و شاه‌راه‌های انتقال انرژی را به خوبی درمی‌یافتیم و چار این خطاهای راهبردی نمی‌شدیم. در شرایطی که در دماه مارس، آرامکو نزد آنش انصارالله بود و آینده، جنگ اوکراین مهم و نفت هم بشکه‌ای ۱۲۰ دلار بود و باید نیز نگران سرنوشت انتخابات بودن، ما چه امتیازاتی می‌توانستیم از آمریکایی‌ها بگیریم و خودمان را معطل یک‌سری مسائلی مثل ETO که هیچ اثری هم در وضعیت سیاه نداشت، کردیم. در این مقطع توافق زنتوانجام می‌شود، آسمان عربستان به روی پروازهای اسرائیلی باز می‌شد و بلافاصله ماجرای «زن، زندگی، آزادی» با حمایت قوی مالی عربستان سعودی در ایران کلید می‌خورد. حمایت‌های شدید مالی بن‌سلمان از کمپین‌سازی‌ها در این معامله‌ای از تغییر جریان به عنوان مثال در یک اپیمل به خانم نازنین بنیادی که بعدها لو رفت گزارش می‌شود که بن‌سلمان همه را خریده است. که عربستان سعودی با توافق پکن فقط به دنبال امتیازگیری از واشنگتن بود و این نکته‌ای بود که برخی در داخل برآن تاکید داشتند اما متاسفانه آقایان توجهی نکردند. درحال حاضر با وجود تهدیدات یمنی‌ها و به‌ویژه درخصوص گاردکشتی‌ها از دریای سرخ شاهدیم هیچ تغییری در قیمت نفت رخ نمی‌دهد. درحالی‌که اگر این تهدیدات در زمان قبل از توافق بود همه احتمال می‌دادند که آرامکو مجددا با تهدید روبه‌رو شود و نفت دچار نوسانات بزرگی می‌شد.

۱۰ روز بعد از توافق با عربستان بانک مرکزی بیانیه می‌دهد که قرار است با این توافق سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در ایران انجام شده و ریسک دلار کاهشی می‌شود. بلومبرگ هم اخبارگزاری داده که عربستان به ایران گفته است شما پروکسی‌های خود را در منطقه کنترل کنید و ما هم درعوض سرمایه‌گذاری‌هایی در ایران انجام می‌دهیم، دولت هم تاکنون این مطلب را تکذیب نکرده است. دولت محترم متوجه نیست که دعوا بر سر معمار امنیتی- اقتصادی منطقه است، طوفان الاقصی و انصارالله، مسائلی از این دست هستند که با میلیاردها دلار هم قابل معامله نیستند.

دو سوال مهم آیاواقعا چین برنده این توافق بود؟ و دیگر اینکه پیمان دفاعی که اخیرا توسط سردار باقری مطرح شد چه نقشی در تعاملات می‌تواند ایفا کند؟» چین هم به این توافق به چیزهایی رسید و با توجه به کنار هم نشاندن در دشمن دیرینه، یک اعتباری به دست آورد و در آن مقطع زمانی که زیر فشار ژئوپلیتیک آمریکا بود، می‌خواست به آنها نشان دهد، می‌تواند به عنوان یک میانجیی جهانی ایفای نقش کند. همچنین می‌خواست از خودش به‌عنوان حامی روسیه در جنگ اوکراین اتهام‌زدایی کند. همان‌طوریکه در نظر داشت بین محمود عباس و اسرائیل هم میانجیگری کند که آن هم با شکست مواجه شد. اما باید ببینیم چین با این توافق چه چیزهایی را از دست داد. من معتقدم چینی‌ها در سیاست‌های خود در منطقه ما کمی گیجند و مسئولان ما هم نتوانستند آن طوریکه باید پکن را با خود همراه کنند. ایران و چین کجا فهمیدند که با این توافق بازی خوردند، در اجلاس G20 که آقای شی‌جین‌پینگ هم در آن شرکت کرد. در این اجلاس با تشریفات فراوان کرنید در آن‌مک اعلام شد و با معرکه‌گیری نتایتاهم همراه شد که ما در شهر مرکز کردور راه‌های ارتباطی جهانی، چین تازه متوجه شد دارد چه اتفاقاتی می‌افتد.

خراتین در ادامه به بحث طوفان الاقصی پرداخت: «آمریکا از روز اول به اسرائیل چراغ سبز داد که غزه را با خاک یکسان کن و من هم هرگونه پشتیبانی مالی- سیاسی و تسلیحاتی که لازم باشد می‌کنم. در بحث بازسازی غزه هم که حرف میلیاردها دلار پول است، عربستان قرار است به مدیریت بیاید که اتفاقا پیشنهاد ایران، شرط آنها برای بازسازی غزه حذف حماس از غزه است و شاید نهایتا یک نقش جزئی برای حماس در نظر بگیرند. اما در این شرایط باید کاری کنیم آمریکا از روی اضطرار و اجبار پای میز مذاکره بیاید و به‌کباره آقای عنایتی را برای مشورت از سعودی فرا بخوانیم. باید توسعه را پیش بگیریم و بقای ما در این است که مقاومت کنیم؛ چراکه پس از انقلاب به‌نوعی ما تاجار به همین استراتژی برگشتیم؛ به همین جهت نظر من برخلاف نظرآقای دکتر صالحی این است که ما نمی‌توانیم با عربستان به یک تفاهم ابدی برسیم؛ چراکه تا زمانی که عربستان در برای اقیانوس دارای والیگرشی مالی تجاری غرب نقش دارد امکان دستیابی به چنین توافقی نیست. لازم است بدانیم که عربستان پایه‌های سرنوشتی و اینکه به یک بازیگر مستقل منطقه‌ای تبدیل شود ندارد و اولین چیزی هم که در این موضوع ندارد جغرافیاست.»

در ادامه این نشست خراتین گفت: «من فکر می‌کنم چند سوتفاهم اساسی ما را به سمت توافق پکن سوق داد. اولین سوءتفاهم این است که ما با این توافق می‌توانیم موضوع آمریکا در منطقه را زیر سوال ببریم. دومین سوءتفاهم اینکه با این توافق امنیت در کشورمان تامین شده و یک کشور دشمن دو دوست خودش را می‌یابد. سومین سوءتفاهم، این توافق می‌تواند مانع حل‌وفصل‌های سیاسی روابط بین ریاض و تل‌آویو که در امتداد پیمان ابراهیم آمده بشود. چهارمین مورد اینکه با سیاست همسایگی می‌توان یک جایگزین برای یک امپراطوریه برای ایران و قدرت‌های بزرگ باشد و نظم منطقه‌ای جدیدی ایجاد می‌شود که این دولت هم به دنبال یک توافق جایگزین توافق برجام بود. پنجمین مورد اینکه با سیاست همسایگی می‌شود یک معماری امنیتی- اقتصادی مطابق میل جمهوری اسلامی ایجاد کرد. آخرین سوءتفاهم هم اینکه می‌توان با عربستان به یک توافق بلندمدت و مطمئن رسیده و دادمسائه در این توافق کاملا حفاظت شده باشد؛ درحالی‌که هیچکس در جریان متن این توافق نیست و هیچ مسندی از آن در دست نداریم. ما باید برای نگاه دقیق به این توافق، روابط تاریخی عربستان و اسرائیل را مورد بررسی قرار دهیم و باید توجه داشته باشیم که در این تاریخ هیچ چیز نیست جز حفاظت از چاه‌های نفت عربستان سعودی در مقابل خطر ضروری در آینده. همچنین دکتر ضیایی یاشاره به مسائل ۱۹۰۱ می‌گوید ما باید این مسائل را دقیق بخوانیم و بررسی کنیم. انتقال خیلی خیزل از جنوب به تهران یک خیانت بزرگ تاریخی توسط رضاخان بود، اگر یک مغز متفکر در تهران داشتیم و شیخ خزئل را در خوزستان حفظ و مدیریت می‌کرد، تمام سواحل جنوبی خلیج‌فارس تابع ایران می‌شدند. درواقع باتوجه به نکات گفته شده می‌شود فهمید، علت وجودی عربستان مساله کانال سوئز و تجارت بین‌المللی بوده و دست داد. من معتقدم چینی‌ها در سیاست‌های خود در منطقه ما کمی گیجند و مسئولان ما هم نتوانستند آن طوریکه باید پکن را با خود همراه کنند. ایران و چین کجا فهمیدند که با این توافق بازی خوردند، در اجلاس G20 که آقای شی‌جین‌پینگ هم در آن شرکت کرد. در این اجلاس با تشریفات فراوان کرنید در آن‌مک اعلام شد و با معرکه‌گیری نتایتاهم همراه شد که ما در شهر مرکز کردور راه‌های ارتباطی جهانی، چین تازه متوجه شد دارد چه اتفاقاتی می‌افتد.

ادامه در صفحه ۱۴